

■

**از کاری که این روزها در «دورها آوایی ست» انجام می‌دهید، بگوئید. این دغدغه از کجا می‌آید که به گذشته و بخشی از میراث فرهنگ این کشور در حوزه موسیقی که ممکن است در روزمرگی از بین برود، بپردازید.**

**باید از قبل تر بگویم.** اراده این کار از سمت دفتر موسیقی سازمان صداوسیما و آقای بامروت، مدیر شبکه ۲ بود. در همان دورانی که این افراد تازه آمده بودند- اوایل ۱۴۰۱- بحث این کار از همان موقع شکل گرفت. اولین قسمت ما بهمین ۱۴۰۱ روی آنتن رفت اما از هفت هشت ماه قبل در گیر اتود زدن بودیم.

**یعنی کار تقریباً از سه ماهه اول سال گذشته آغاز شد؟**

بله. آقای صفایی فرد را ۱۰ سال است می‌شناسم و او خودش سبقه مدیریتی، پژوهشی و عملی قوی در حوزه موسیقی به ویژه موسیقی انقلاب و بعد از انقلاب دارد. در دفتر راه، جبهه فرهنگی انقلاب که بودند، دفتر موسیقی آنجا را راه می‌اندازند و تولیداتی انجا صورت می‌گیرد، یعنی هم از حیث نظری و هم عملی بسیار مسلط به موسیقی معاصر به ویژه موسیقی انقلاب و بعد از انقلاب هستند، به ویژه کارهای تاریخ شفاهی و طبیعتاً این دغدغه را دارند که این تاریخ روایت شود.

**چون به دلایل مختلف به این تاریخ نمی‌پردازند و ارادش از اینجا می‌آید که ما می‌خواهیم تاریخ موسیقی انقلاب و بعد از انقلاب را روایت کنیم. اینکه ما از موسیقی به عنوان زبان بیان رویدادهای انقلاب استفاده کنیم نکته جالبی است. اینکه مذهبی‌ها به این سمت بروند نکته معنادار و جالبی است.**

البته این نیست که ما می‌خواهیم موسیقی را بهانه روایت تاریخ انقلاب کنیم. اتفاقاً و دقیقاً ما درباره خود موسیقی و تاریخ موسیقی صحبت می‌کنیم. خوب طبیعتاً تیمی که برای روایت تاریخ موسیقی انقلاب و بعد از انقلاب شکل گرفت، به خاطر اراده‌ای بود که در دفتر موسیقی صداوسیما شکل گرفته بود.

**تیم چطور جمع شد؟**

سردبیر و نویسنده کار ما حسن صنوبری است که پژوهشگری بسیار قوی در حوزه ادبیات و موسیقی است و شناخت دقیقی از این حوزه دارد. خوب فیلم می‌بیند و خوب موسیقی را می‌شناسد و تحلیلی هم می‌شنود. این افراد دلپسته انقلاب هستند و دغدغه کار برای انقلاب را دارند.

**چرا رفتید سراغ موسیقی، چرا نرفتید مثلاً سراغ داستان یا چیز دیگری؟**

تاریخ خیلی از هنرهای بیان و آثاری دربارشان ساخته شده است. مثلاً سینما، کتاب و نظایر آن. ولی به موسیقی به ویژه به این برهه پرداخته نشده است.

**من نمی‌خواهم قضیه را پیچیده کنم اما می‌گویم شاید حتی به شکل ناخود آگاه ممکن است ما به نقطه‌ای رسیدهایم که حس می‌کنیم میدان حرف‌ها خیلی مغشوش است. ادعاهای زیاد است. در موسیقی اما نمی‌شود ادعا کرد، دست کم دست آدم زود رو می‌شود. خود شما آیا قبلاً به موسیقی پرداخته بودید؟**



رضا هشتاد | جوان

**گفت‌وگو با محمدسعید غلامی تهیه‌کننده و کارگردان «دورها آوایی ست»**

# راوی صادق تاریخ موسیقی بودیم



**پرداختن به موسیقی معاصر اقیانوس وسیعی است.**

**ممکن است گلایه کنیم موسیقی اکنون ما ضعیف شده**

**و سلیقه‌ها پایین آمده است اما وقتی به گذشته نگاه می‌کنیم**

**– حتی الان هم – خیلی نقاط درخشان و تاریخ ساز داریم**

**و از حیث غنا و زیبایی برای خودش دریایی است**

■ حسن فرامرزی

شاید بسیاری از ما به شکل خود آگاهی ندانیم که بخشی از هویت ملی‌مان ما به موسیقی به عنوان یک خاطره مشترک جمعی برمی‌گردد، بنابراین پر داختن هنر مندانه به تاریخ غنی موسیقی کشور از قطعاتی که در فیلم‌ها و سریال‌ها جاودانه شده و به حیات مجزای خود حتی در بیرون از قالب تصویر ادامه داده و چه در قالب قطعات و ترانه‌هایی که در عین فاخر بودن در ذهن و زبان عامه مردم جا گرفته‌اند، نوعی تکاندن غبارهای روزمرگی از زندگی و اتصال دوباره ما به این میراث مشترک است. بر نامه «دورها آوایی ست» که مدتی است با محوریت مرور موسیقی معاصر ایران و در قالب موشن گرافی‌های سه تا هشت دقیقه‌ای از شبکه دوم تلویزیون پخش می‌شود، توانسته است با توجه به فرم ارائه و پشتوانه دقیق پژوهشی به ویژه استفاده از نشانه‌شناسی‌های علمی در مدت زمان پخش خود – کمتر از یک سال – با باز خوردهای خوبی مواجه شود. گفت‌وگوی ما با محمدسعید غلامی، تهیه‌کننده و کارگردان جوان این مجموعه به جزئیات این برنامه می‌پردازد.

سبقه هنری من بیشتر در حوزه تصویر است. من خودم تئاتر خوانده و فیلم کوتاه و مستند ساخته‌ام. طبیعتاً چون علاقه به هنر و آثار هنری دارم، می‌توانم بگویم شنونده خوبی برای موسیقی هستم. دنبال این بوده‌ام موسیقی‌های خوب و متنوع بشنوم و در این حوزه به‌روز باشم، چون کارم در حوزه تصویر بوده است و تدوین و کارگردانی کردم. به هر حال لازمه هنر است که آدم در حوزه موسیقی به‌روز باشد.

**پس شما از سه ماه دوم سال قبل شروع کردید و چند ماهی اتود زدید و بهمین ماه اولین کار را منتشر کردید.**

اولین کار در دهه فجر- بهمین ماه پارسال- پخش شد. این کار قطعه «عاشقان سر مست» نام داشت که شهرام ناظری خوانده و آقای لطفی آهنگش را ساخته بود. البته در دهه فجر، «فتح‌نامه» حسام‌الدین سراج را هم داشتیم.

**کارها چند دقیقه‌ها است؟**

از سه تا هشت دقیقه. بستگی به این دارد که خود قطعه چقدر اطلاعات داشته باشد و چقدر ما بتوانیم رویش حرف بزنیم.

**تا الان چند قسمت آماده کرده‌اید؟**

۱ قسمت پخش شده است. آخرین قطعه هفته پیش برای میلاد پیامبر (ص) بود؛ قطعه موسیقی مقامی خراسان. اکثر مواقع این طور است که در هر قسمت قرار است ما درباره قطعه‌ای حرف بزنیم، اما به فراخور عمقی که در قطعه پیدا می‌کنیم و شاخ و برگ‌هایی که می‌دهیم، پیش می‌آید که درباره یک هنرمند محوری در آن کار حرف بزنیم. مثلاً عاشقان سر مست را که کار می‌کردیم، چند اسلاید را به زیست هنری آقای ناظری اختصاص دادیم که به چه نوع موسیقی‌ای معروف و در این برهه از چه اشعاری استفاده کرده است. در مقام شاه زمان که برای پیامبر (ص) کار کردیم، هنرمند محوری ما مستاد عبدالله سرور احمدی بود. الان کاری که در دست‌مان داریم برای روز حافظ تاریخ گذشته طعم‌ای از آقای علیقلی است؛ تیتراژ فیلم بنامند.

**در کاری که برای «سربداران» انجام داده بودید و من آن را دیدم، خیلی روی فرم ارائه و سوسای به خرج داده شده و کار شسته‌رفته‌ای بود. معلوم است خیلی روی فرم ارائه فکر شده بود. به قول حافظ یک قصه پیش نیستیم غم عشق وین عجب / کز هر زبان که می‌شوم نامکرر است. در هنر، ما درباره چند آلمان مشخص مثل عشق، ایثار و نوع دوستی داریم صحبت می‌کنیم اما اینکه شما چگونه این چیژش را انجام می‌دهید و قاپ‌ها یا اسلاید‌ها را می‌سازید، همه چیز آنجاست. چقدر برای هر قسمت وقت گذاشته‌اید. همین در مجموعه‌های ما این تصور اشتباه وجود دارد که همین کافی است، اینکه مجموعه‌های ما ارزش فرم را بدانند خیلی مهم است.**

این کار این قابلیت را داشت که به صورت موشن خیلی ساده مطرح شود و اگر آن طوری هم می‌شد، شاید کسی به ما خرده‌ای نمی‌گرفت. خیلی وقت‌ها اصلاً یک سال وقت بگذارید یا یک ماه، برخی از مدیران ما تفاوت آن را متوجه نمی‌شوند.

بله، مثلاً فانه این توهم گاهی وجود دارد که چون من محتوای خوب دارم، پس گل را زده‌ام، اما من پیشینه فیلمسازی و درک روایت و درام

را داشتم. نمی‌گویم این کار خیلی دراماتیک است که نیست اما با آن پیشینه راضی نمی‌شدم که بخواهم کار بزن دررو و ساده انجام دهم، بنابراین آن درک دخیل شد، البته من گرافیکست نبودم- شاید گرافیک را می‌فهمم- بنابراین ما یک تیم گرافیکست جمع کردیم. اسامی در تیتراژ کارها هست و کم کم هم به این فرمت رسیدیم.

الان قسمت‌های اول ما را که ببینید و جلو بیاورید، تغییرات فرمی مؤثری اتفاق افتاده است و با استفاده از همه ظرفیتی که گرافیک و موشن به ما می‌داد، سعی کردیم از همه این ظرفیت‌ها استفاده کنیم. تا به بهتر فهمیده‌شدن حرفی که متن می‌خواهد برساند، کمک کنیم. نمی‌گویم هر چه در متن خوانده می‌شود، عینش را برداریم و نشان دهیم. سعی می‌کنیم- گرچه خیلی جاها این اتفاق نیفتاده و اصلاً متن راه نمی‌دهد- تصویر یک چیزی به کار اضافه یا به بهتر فهمیده‌شدن متن کمک کند و حالا از همین سربداران هم که دیدید جلوتر رفتیم، این فضا شکل گرفته است.

**تیم‌تان چند نفر است؟**

ما سه نفر گرافیکست داریم، با خود من که کارگردانی کار را انجام می‌دهم و نویسنده و سردبیر مان.

**آیا در موشن، کارهای خارجی را می‌بینید یا تجربه‌های آنها را؟**

حتماً هیچ محدودیتی در ایده گرفتن نداریم و کارهای خارجی هم زیاد می‌بینیم. همچنان که کارهای داخلی خوب هم می‌بینیم. ما الان سبکی که کار می‌کنیم نزدیک به سبک‌های کلژا است، به خاطر همین کارهای کلژا زیاد می‌بینیم.

**از باز خوردهایی که گرفته‌اید، بگوئید.**

به نسبت قطعه‌ای که انتخاب کردیم، بازخوردها متفاوت بوده است.

**اصلاً معیار تان برای انتخاب قطعات چیست؟**

ما سریع قطعه‌ای کمتر شنیده‌شده می‌رویم یا قطعه‌های معروفی که تجربه نایی را در درون خودشان داشته‌اند و البته در پراتنز بگویم ما سراغ قطعات که می‌رویم، چه آن قطعه‌ها کمتر شنیده شده باشد و چه معروف باشند، آثاری هستند که همشان در تاریخ موسیقی ما- البته بعد از انقلاب را می‌گویم- اثر داشته است؛ چه این اثر به تاریخ موسیقی ما برگردد و چه اثرات اجتماعی قطعات، بازخوردهای ما هم برمی‌گردد به نسبتی که مخاطب با آن قطعه برقرار می‌کند. ما قسمتی داشتیم که در آن روی قطعه «سرگشته» یا همام «توای بری کجایی» را کار کردیم.

**با صدای محمدصافهانی؟**

بله ما به بهانه آقای صافهانی رفتیم اما چون اصل کار قبل انقلاب بود،



**این طور نیست که چون داریم درباره تاریخ موسیقی انقلاب و بعد از انقلاب سخن می‌گوییم،**

**تعمدانه یک چیزهایی را بنیینیم‌واز آنها عبور کنیم.**

**این تاریخی است که بالاخره بر ما گذشته است**

**و مثل خود زندگی است، مطمئناً ما در آن زمان**

**اشتباهاتی داشته‌ایم و جو آن موقع جو خاصی بوده**

**است و ما صادقانه اینها را می‌گوییم، یعنی**

**در همین قطعه و حدت در یک اسلاید اشاره کردیم**

**که مسئولان وقت با این هنرمند- آقای فرهاد**

**مهرا- بر خورد مناسبی نداشتند و قدر ایشان**

**دانسته نشد و می‌توانستند بر خورد بهتری با او**

**داشته باشند. می‌خواهم بگویم ما حتی تشرمان را**

**هم می‌زنیم. بالاخره وقتی تاریخ می‌گوییم، سعی**

**می‌کنیم به همه ابعاد آن توجه نشان دهیم**

طبیعتاً به همایون خرم و موسیقی‌ای که همایون خرم ساخته بود، پرداختیم.

**شما در این مجموعه به «توای بری کجایی» هم می‌پردازید که فضایی تغزلی دارد. می‌خواهم بگویم خیلی وقت‌ها مخاطبان یک مجموعه انقلابی وقتی از زبان و مجرای چنین مجموعه‌ای موضعی رامی‌شوند، راحت‌تر می‌پذیرند، یعنی قشر مذهبی ما که ممکن است شناخت اندکی از موسیقی داشته باشد، ممکن است خود به خود سراغ چهره‌های مثل شهرام ناظری نرود، اما وقتی ببینند شهرام ناظری به عنوان بخشی از تاریخ موسیقی این کشور مطرح می‌شود، شاید برود کارهای او را کشف و یک ظرفیت جدیدی برای خود و نگاهش خلق کند.**

بله، طبیعتاً این اتفاق می‌افتد و ما گروه‌های مخاطب مختلفی داریم، هم از حیث سن و سال و هم تحصیلات که هر کدام چیزی از برنامه ما می‌گیرند و برای همه این گروه‌ها خوراک محتوایی وجود دارد. مثلاً در همین قطعه «توای بری کجایی»- چون این قطعه به گوش مخاطب شناس است و با آن خاطره دارد، از مخاطب عام بازخوردهای خیلی خوب گرفتیم.

**آیا باز خوردهای خاصی مدنظر تان است؟**

بیشترین بازخورد روی همین سرگشته- توای بری کجایی- بود که مردم خیلی با این قطعه خاطره دارند.

**چنجالی‌ترین قسمت؟**

حالا شاید واژه چنجال مناسب نباشد اما یکی از کارهایی که از گروه‌های مختلف روی آن بحث شد، قطعه «حدت»-والا پیامدار- فرهاد مهراود بود. فکر می‌کنم معبت پارسال پخش شد. مثلاً یکی از بزرگان ادبیات

ماخره گرفتند و متنی برایش نوشتند.

**چه خرده‌ای؟**

گفتند عوامل ایسن کار توده‌ای بودند و عقاید آن سمیتی داشتند و از این سمت آهنگساز این کار آقای منفردزاده هستند که خارج از کشور حضور دارند. ما در این قسمت اطلاعاتی ارائه کردیم که به گوش کسانی که زیاد هم با ما موافق نبودند، ناآشنا بود، در حالی که ما با منابعی که از سایت آقای منفردزاده گرفته بودیم، دقیق کار کرده بودیم اما برخی از مخاطبان انتظار نداشتند این طور باشد.

**چطور؟**

مثلاً انتظار نداشتند آقای منفردزاده برای جریان خاصی - فظنظام پهلوی- کار کرده باشد، در حالی که خودشان گفته بودند به خاطر فلان واقعه این کار را کرده است.

**این وسعت نظر و گشودگی نقطه قوت ماست. ما گاهی به خاطر برخی حواشی زندگی یک فرد، او را کنار می‌گذاریم،**



**در حالی که آن کار با هنر مستقل و فارغ از آن جهت‌گیری بسیار عمیق و زیباییست.**

ما تاریخ را صادقانه روایت می‌کنیم، این طور نیست که چون داریم درباره تاریخ موسیقی انقلاب و بعد از انقلاب سخن می‌گوییم، تعمدانه یک چیزهایی را بنیینیم و از آنها عبور کنیم. این تاریخی است که بالاخره بر ما گذشته است و مثل خود زندگی است، مطمئناً ما در آن زمان اشتباهاتی داشته‌ایم و جو آن موقع جو خاصی بوده است و ما صادقانه اینها را می‌گوییم، یعنی در همین قطعه وحدت در یک اسلاید اشاره کردیم که مسئولان وقت با این هنرمند- آقای فرهاد مهراود- برخورد مناسبی نداشتند و قدر ایشان دانسته نشد و می‌توانستند بر خورد بهتری با او داشته باشند. می‌خواهم بگویم ما حتی تشرمان را هم می‌زنیم. بالاخره وقتی تاریخ می‌گوییم، سعی می‌کنیم به همه ابعاد آن توجه نشان دهیم.

**اصلاً و رای بحث موسیقی آنچه جامعه ما به شدت به آن نیاز دارد، حضور آدم‌هایی است که قدرت خودانتقادی را داشته باشند و اتفاقاً این قضیه نشانه رشد است و به نظرم مجموعه‌های خودی شاید بیشتر از عامه به این خصلت نیاز دارند. نه از این جهت که لزوماً خصلت خودانتقادی خودکامی در آنها کمتر است بلکه بیشتر به آن نیاز دارند.**

همین طور است.

**آیا کارهای تان میمیزی هم شده است؟**

نه چیزی یادم نمی‌آید.

**گاهی ما برای میدان و شرایطی که پیش می‌آید، اهمیت کمی قائل می‌شویم. در واقع همه آن کار را می‌بینند و درخشش آن را، اما اگر آن فضا پدید نمی‌آید، طبیعتاً آن درخشش هم نبود. درباره پیدایش این فضای کار بگوئید.**

نمی‌دانم، امیدوارم این اظهار نظر من چاپلوسانه نباشد. ما در این حال به نظرم یکی از آدم‌هایی که دقیقاً سر جای درست خود قرار داد، این همین آقای محسن صفایی، مدیر دفتر موسیقی است، یعنی کسی که هم علم ایسن کار را دارد، هم تجربه و هم بینش و فهم این کار را. همچنین مدیر شبکه ۲. من یاد نمی‌آید در این مدت اذیت شده باشیم. این اتفاق نشان از این دارد که آن همراهی که کار روی داده است.

**یک وقتی با کسی صحبت می‌کردم که دکترای مکانیک در امریکا خوانده بود و مدتی در تأسیسات پالایشگاهی عسلویه کار می‌کرد. ایشان تعریف می‌کرد که وقتی من به آنجا رفتم، اول فکر می‌کردم مسائل مان فنی است. بعد دیدم نه مسائل ما از تطبیقی و انسانی است؛ اینکه چطور می‌شود آدم‌هایی را که از فرهنگ‌های مختلف کنار هم جمع شده‌اند، مدیریت نمود. این تجربه شما از این بعد هم به نظرم حائز اهمیت است. اینکه وقتی آن فضای درک متقابل و همدلی شکل می‌گیرد، آن وقت استعداد هم میدان جولان و تحرک خود را پیدا می‌کند، یعنی آن استعداد یا توانمندی فرغ بر آن، فضای درک‌شدن متقابل است.**

بله، این فضا مهم و کلیدی است و خدا را شکر ما از این حیث، مشکل خاصی نداشتیم. موسیقی جای حساسی است. مخصوصاً در صداوسیما و اگر این درک نبود، طبیعتاً ما به مسائل زیادی برمی‌خوردیم. اصلاً ما با مدیرانی در اینجا سروکار داریم- مدیر دفتر موسیقی، مدیر گروه اجتماعی فرهنگی و مدیر شبکه- که اگر این افراد همراه نبودند و فضایی ایجاد نمی‌کردند، ایسن اتفاق نمی‌افتاد و اساساً دغدغه این کار از جانب این مدیران آغاز شده است و در مراحل بعدی اعتمادی که کرده‌اند.

**اینکه چهره‌های جوان را هم برای این کار انتخاب کرده‌اند، قابل توجه است.**

خب ریسک کرده‌اند (باخنده).

**واقعا یکی از گرهای کار در این نقطه است که به جوان‌ها اعتماد نمی‌شود. انتخاب سوزدها چطور شکل می‌گرفت؟ انتخاب‌ها تعاملی بوده و است. ما گروه تحریریه داریم؛ اینکه تصمیم بگیریم روی چه قطعه‌ای کار کنیم، رویش کار جمعی اتفاق می‌افتد. یکی از مدیران دفتر موسیقی هم در تحریریه حضور دارد. اشاره کردید که هر چقدر جلو رفتید، اشکالات رفع شد و گروه به هماهنگی بیشتری رسید. یکی از مسائل ما این است که گروه‌ها زود به فروپاشی می‌رسد و آن تجربه به بلوغ خود نمی‌رسد.**

من از قبل تر با رفقای گرافیکست کار می‌کردم اما این کار باعث شد دور هم جمع شویم و هم‌افزایی این شکل گرفت که به فعالیت‌های دیگر بپردازیم. من آن پیشینه فیلمسازی را آوردم و آنها هم پیشینه گرافیک را و باعث شد پروژه‌های دیگر را انجام دهیم.

**آینده این کار و گروه را چطور می‌بینید؟**

گروه خوبی شکل گرفته و طبیعتاً دنبال این هستیم که گروه بماند و کار خودش را انجام دهد. چه گرافیکست‌های مان و چه از لحاظ متن. عرض کردم آقای صنوبری، سردبیر و نویسنده کار بسیار قوی هستند، به حدی که من دست کم مثل ایشان را نمی‌شناسم. البته قرار است نویسنده دیگری هم به گروه اضافه شود. گروه خوبی در متن، محتوا و هم گرافیک شکل گرفته است. به هر حال این کار دریاست. پرداختن به موسیقی معاصر اقیانوس وسیعی است. ممکن است گلایه کنیم موسیقی اکنون ما ضعیف شده و سلیقه‌ها پایین آمده است اما وقتی به گذشته نگاه می‌کنیم- حتی الان هم- خیلی نقاط درخشان و تاریخ ساز داریم و از حیث غنا و زیبایی برای خودش دریایی است.

**هدف گذاری تان برای چند قسمت است؟**

ما در هدف اولیه مان روی ۳۰ قسمت کار می‌کنیم اما مطمئناً خیلی بیشتر از اینهاست. بنابراین هدف ما این است که گروه را حفظ و نقاط ضعف مان را اصلاح کنیم. شاید در آینده سراغ فرم‌های دیگری برویم. مثلاً چه فرمی؟

مثلاً ممکن است سراغ کارهای تولیدی برویم؛ مستندهای کوتاه و برنامه‌های تلویزیونی.

**در حوزه موسیقی؟**

بله، دوست دارم این اتفاق زیر نام در «دورها آوایی ست» شکل بگیرد.

**پس موسیقی حسابی دل شما را برده است؟**

بله خیلی جای کار دارد.

**واقعا خوشحال‌کننده است که مجموعه‌های ما به موسیقی اهمیت بدهند، چون همیشه موسیقی متهم و مظلوم بوده است. اینکه این طور پرداخته شود، عالی است. چون این موسیقی یک ما به قوام‌بخش ملی است و ما بر سر هر چیزی هم دعوا کنیم، سر «توای بری کجایی» باهم دعوا می‌مان نمی‌شود. «سربداران» همه ما را جمع می‌کند، چون برای همه ما یک خاطره مشترک گرور و دفاع ملی است.**

همین طور است.

**اگر نکته‌ای برای حسن ختام دارید، بفرمایید.**

ممنونم.